

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مدیریت تحصیلات تکمیلی  
پژوهشکده زبان‌شناسی

## رساله دکتری رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی

عنوان رساله:

**تقسیم‌بندی موضوعی واژه‌های بازمانده از ایرانی باستان و ایرانی میانه غربی در  
گوش کُردی سُنقر کُلیایی (با نگرشی بر فرآیندهای واجی و آوایی آن‌ها)**

استاد راهنما:

دکتر محمد تقی راشد محصل

استادان مشاور:

دکتر مهشید میرفخرایی

دکتر غلامحسین کریمی‌دوستان

پژوهشگر:

سلمان خنجری

مهر ماه ۱۳۹۷

برگه ارزیابی

## سپاس‌گزاری:

درود بی‌کران تقدیم به استاد بزرگوارم، جناب آقای دکتر محمد تقی راشد‌محصل، معلّمی به معنای واقعی که آیینۀ راستین صبر و فروتنی است.

سپاس فراوان حضور استاد فرزانه‌ام سرکار خانم دکتر مهشید میرفخرایی که دل‌سوزانه همواره مرا تشویق به یادگیری هرچه بیش‌تر کرده‌اند.

سپاس بسیار خدمت‌استاد ارجمند جناب آقای دکتر غلامحسین کریمی‌دوستان، استادی گران‌قدر که هم‌چون برادری دل‌سوز همواره با توصیه‌های ارزنده و راه‌گشای خویش، بنده را در انجام این پژوهش همراهی نمودند.

از استادان ارجمند، جناب آقای دکتر محسن ابوالقاسمی، جناب آقای دکتر سیروس نصراله‌زاده و سرکار خانم دکتر فرزانه گشتاسب که زحمت مطالعه و داوری رساله را جهت ارائه نکات سودمند در بهبود این پژوهش متقبل شدند، صمیمانه سپاس‌گزارم.

از پدر و مادر و خانواده‌ام سپاس‌گزارم که چون کوهی استوار در طول زندگی و تحصیل حامی‌ام بوده‌اند.

تقدیم به:

پدرم،

مادرم

و

خانوادهام

## چکیده

رساله حاضر پژوهشی تحلیلی- توصیفی است از تقسیم‌بندی موضوعی واژه‌های ایرانی باستان و ایرانی میانه غربی در گویش کُردی سُنقرکلیایی<sup>۱</sup> (با نگرشی بر فرآیندهای واجی و آوایی آن‌ها) که براساس فهرست موضوعی مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی ارائه شده است. در این پژوهش بیش‌تر سعی در ارائه واژه‌هایی است که به فارسی نو نرسیده‌اند، اما در گویش مورد بررسی باقی مانده‌اند. کُردی از گویش‌های نو ایرانی شمال غربی است که به سه شاخه شمالی، مرکزی و جنوبی تقسیم می‌شود و کُردی رایج در شهرستان سُنقرکلیایی در گروه گویشی شاخه جنوبی کُردی جای دارد. نظام واجی گویش کُردی سُنقرکلیایی، متشکل از ۲۶ همخوان<sup>۲</sup> /p/ /b/ /f/ /v/ /m/ /t/ /d/ /n/ /l/ /ʎ/ /ʃ/ /ç/ /j/ /š/ /ž/ /k/ /g/ /ŋ/ /x/ /ɣ/ /q/ /ʔ/ /h/، دو نیم‌واکه (غلتان،<sup>۳</sup> دولبی)<sup>۴</sup> /w/ و (غلتان، کامی)<sup>۵</sup> /y/ و ۷ واکه<sup>۶</sup> (a, e, o, u, i, ä, ü) است. واکه (افراشته،<sup>۷</sup> بسته،<sup>۸</sup> گرد، پیشین)<sup>۹</sup> /ü/ یکی از واج‌های شاخص در گویش‌های کُردی شاخه جنوبی است. در پژوهش حاضر ضمن پرداختن به واج‌شناسی<sup>۱۱</sup> و فرآیندهای واجی هم‌زمانی<sup>۱۲</sup> رایج در کُردی سُنقرکلیایی، ساختمان دستوری و صرف و نحو گویش مذکور نیز بررسی شد، سپس فهرست موضوعی واژه‌های بازمانده از ایرانی باستان و ایرانی میانه غربی در گویش کُردی سُنقرکلیایی به همراه ویژگی‌های آوایی شمال غربی در گویش مذکور ارائه شد. مطابق با تحلیل و بررسی داده‌های ارائه شده مشخص شد که در کُردی سُنقرکلیایی، واژه‌های زیادی از زبان‌های ایرانی باستان و میانه غربی حفظ شده‌اند که در فارسی نو وجود ندارند، به‌عنوان مثال: کُردی سنقرکلیایی: xwâ “نمک”؛ هندواروپایی آغازین: \*sueH₂d- “لذیذ بودن”؛ هندواروپایی: \*huad “لذیذ کردن، خوش طعم کردن”؛ کُردی سنقرکلیایی: waten “گفتن”؛ awše(d) (ش.م) “می‌گوید، wâsa (ش.م) “می‌گوید”، مصدر: waten، ستاک حال: -wâs-, awš-، ستاک گذشته: -awat، از افعال دو ریشه‌ای برای ستاک حال و گذشته؛ هندواروپایی آغازین: \*ueth₂-, \*uet- “گفتن، اطلاع دادن”، ایرانی باستان: \*uat- “اطلاع یافتن”؛ اوستایی: vat- “گفتن”؛ -aoš- “گفتن”، aošete (ش.م) “می‌گوید” (فرگرد ۱۸ و نندیداد، بند ۲۶ و ۵۱)؛ کُردی سنقرکلیایی: âwâ “این‌گونه، این‌چنین” (قید حالت)؛ او: avâ “این‌گونه، این‌چنین”؛ ف.ب: avâ “این‌گونه، این‌چنین”؛ کُردی سنقرکلیایی: kaf-ten “افتادن”؛ پارتی: kaf-tin “افتادن”؛ فارسی میانه ترفانی: kaf-tin “افتادن”؛ فارسی میانه: kaf-tan “افتادن”. به علت تأثیر پذیری کُردی سُنقرکلیایی از زبان فارسی نو، ویژگی‌های آوایی شمال غربی در آن، در برخی موارد از بین رفته و ویژگی‌های جنوب غربی جای‌گزین شده است؛ به‌عنوان مثال: dv/du\* ایرانی باستان در واژه‌های مورد بررسی، در این گویش همانند گویش‌های ایرانی نو جنوب غربی به جای b- به d- تبدیل شده است. این گویش به‌خصوص در میان نسل جدید گویشور خود تحت تأثیر فارسی نو قرار گرفته و فناوری نوین ارتباطات بر سرعت تغییر و تحول افزوده است به‌طوری که ویژگی‌های آوایی شمال غربی در آن در برخی موارد از بین رفته و فقط در واژه‌های کهن محفوظ مانده است.

**کلیدواژه‌ها:** ایرانی باستان، ایرانی میانه، ایرانی نو، زبان، گویش، کُردی سُنقرکلیایی

1. Sonqor Kolyâee
2. Consonant
3. Glide
4. Bilabial
5. Palatal
6. Vowel
7. High
8. Close
9. Front
10. Phoneme
11. Phonology
12. Synchronic

## فهرست مطالب

کوته‌نوشت‌ها و نشانه‌ها:	ذ
فصل اول	۱
۱. کلیات پژوهش:	۲
۱-۱. مقدمه:	۲
۱-۲. بیان مسأله:	۲
۱-۳. اهمیت و ضرورت انجام این پژوهش:	۲
۱-۴. اهداف پژوهش:	۲
۱-۵. قلمرو پژوهش:	۳
۱-۶. سؤال‌های پژوهش:	۳
۱-۷. فرضیه‌های پژوهش:	۳
۱-۸. پیشینه پژوهش:	۳
۱-۹. روش انجام پژوهش و دلیل انتخاب این روش:	۴
۱-۱۰. ساختار رساله:	۴
۱-۱۱. سنقرکلیایی:	۵
۱-۱۱-۱. مقدمه:	۵
۱-۱۱-۲. دین و زبان مردم شهرستان سنقرکلیایی:	۶
۱-۱۱-۳. تقسیمات اداری-سیاسی شهرستان سنقرکلیایی:	۶
۱-۱۱-۴. وجه تسمیه سنقرکلیایی:	۷
۱-۱۲. رده‌شناسی گویش کردی سنقرکلیایی:	۹
۱-۱۲-۱. مقدمه:	۹
۱-۱۲-۲. زبان، گویش، لهجه و گونه:	۹
۱-۱۲-۳. موضوع گویش‌شناسی:	۱۰
۱-۱۲-۴. زبان‌شناسی در زمانی و هم‌زمانی در بررسی‌های گویشی:	۱۰

- ۱- ۱۲- ۵. اهمیت بررسی گویش‌ها: ..... ۱۰
- ۱- ۱۲- ۶. علل خاموشی گویش‌ها: ..... ۱۱
- ۱- ۱۲- ۷. تاریخ زبان‌های ایرانی: ..... ۱۱
- ۱- ۱۲- ۸. گویش‌های کُردی و جغرافیای تاریخی قوم کُرد: ..... ۱۴
- فصل دوم ..... ۱۸
۲. واج‌شناسی: ..... ۱۹
- ۲- ۱. مقدمه: ..... ۱۹
- ۲- ۲. واج‌شناسی زایشی: ..... ۱۹
- ۲- ۳. فرآیندهای واجی: ..... ۲۰
- ۲- ۴. نظام واجی و ساخت‌های هجایی در کُردی سُنقرکُلیایی: ..... ۲۲
- ۲- ۵. فرآیندهای واجی در کُردی سُنقرکُلیایی: ..... ۳۷
- فصل سوم ..... ۵۰
۳. صرف و نحو: ..... ۵۱
- ۳- ۱. اسم: ..... ۵۱
- ۳- ۲. توالی مضاف و مضاف‌الیه: ..... ۵۵
- ۳- ۳. ضمیر: ..... ۵۵
- ۳- ۴. صفت: ..... ۵۹
- ۳- ۵. اعداد: ..... ۶۱
- ۳- ۶. فعل: ..... ۶۴
- ۳- ۷. مصدر: ..... ۷۹
- ۳- ۸. حروف اضافه: ..... ۸۰
- ۳- ۹. حروف ربط: ..... ۸۲
- ۳- ۱۰. حروف ندا: ..... ۸۲
- ۳- ۱۱. اصوات: ..... ۸۳



۱۲-۳. قید:	۸۳
فصل چهارم	۸۶
واژه‌های بازمانده از ایرانی باستان و ایرانی میانه غربی در گویش کُردی سُنقرکلیایی	۸۶
(با نگرشی بر فرآیندهای واجی و آوایی آن‌ها)	۸۶
فصل پنجم	۱۳۵
نتیجه‌گیری	۱۳۶
کتاب‌نامه	۱۳۸
پیوست ۱. متن‌ها	۱۴۶
پیوست ۲. جمله‌ها	۱۴۹
پیوست ۳. نمایه	۱۵۵
الف) نمایه زبان‌های باستانی	۱۵۵
ب) نمایه زبان‌های میانه	۱۵۷
پ) گویش‌های نو	۱۶۱
فارسی به انگلیسی	۱۶۸
انگلیسی به فارسی	۱۷۱

### کوته‌نوشت‌ها و نشانه‌ها:

#### کوته‌نوشت‌ها:

#### الف) فارسی:

آ.آ.	آریایی آغازین
ا.آ.	ایرانی آغازی
ا.ب.	ایرانی باستان
ار.	ارمنی
او.	اوستایی
او.ک.	اوستای کهن
او.ن.	اوستای نو
پ.	پارتی

خوارزمی	خ.
ختنی	خ.ت.
سغدی میانه	س.م.
سغدی میانه بودایی	س.م.ب.
سکایی باستان (اسکیتی)	س.ب.
سنسکریت	سن.
شاهنامه فردوسی	ش.ف.
صفت مفعولی	ص.م.
فارسی میانه (= پهلوی ساسانی)	ف.م.
فارسی میانه تُرفانی	ف.م.ت.
فارسی باستان	ف.ب.
فارسی نو	ف.ن.
قیاس کنید با	قس.
گُردی سُنقر کُلیایی	ک.س.ک.
ستاک حال	س.ح.
ستاک حال مجهول	س.ح.م.
ستاک گذشته	س.گ.
مصدر	م.
مادی	ما.
هندواروپایی	ه.ا.
هندواروپایی آغازین	ه.ا.آ.
هندوایرانی	ه.ای.
هندوایرانی آغازین	ه.ای.آ.
اول شخص جمع	۱ش ج
دوم شخص جمع	۲ش ج
سوم شخص جمع	۳ش ج
اول شخص مفرد	۱ش م
دوم شخص مفرد	۲ش م
سوم شخص مفرد	۳ش م

(ب) لاتین:

C →

Consonant

همخوان

V → Vowel واکه

نشانه‌ها:

رجوع کنید	←
یا	/
به معنی صفر بودن است	∅
برابر است با	=
علامت واج‌نویسی	//
صورت بازسازی شده	*
واک‌رفتگی	◌̣
صورت اولیه	<
اختیاری است (حرف داخل آن می‌تواند باشد یا نباشد)	( )

فهرست جدول‌ها

۲۴	..... جدول (۱-۲) همخوان‌ها
۲۹	..... ng ~ ŋ (۲-۲) جدول
۲۹	..... nk ~ ŋ (۳-۲) جدول
۲۹	..... nq ~ ŋ (۴-۲) جدول
۳۱	..... همخوان‌های گردیِ سُنْقُرْکَلِیایی (۵-۲) جدول
۳۱	..... واکه‌ها (۶-۲) جدول
۳۳	..... واکه‌های مرکب (۷-۲) جدول
۳۴	..... واکه‌های مرکب (aw و âw) حاصل از فرآیند سایشی‌زدایی و ناسوده‌شدگی (۸-۲) جدول
۳۶	..... /ü/ (افراشته، بسته، گرد، پیشین) (۹-۲) واکه (۹-۲) جدول
۳۷	..... ساخت هجایی در گردیِ سُنْقُرْکَلِیایی (۱۰-۲) جدول
۳۷	..... حذف همخوان واک‌دار در آخر واژه پس از واکه‌های کشیده (۱۱-۲) جدول
۳۹	..... حذف /d/ در توالی /nd/ (۱۲-۲) جدول
۴۰	..... حذف /t/ در توالی /st/ (۱۳-۲) جدول
۴۲	..... تبدیل /d/ به [t] (۱۴-۲) جدول

۴۳	..... جدول (۱۵-۲) تبدیل /f/ به [w]
۴۴	..... جدول (۱۶-۲) تبدیل /b/ به [w]
۴۵	..... جدول (۱۷-۲) قلب در میان توالی دو همخوان
۴۶	..... جدول (۱۸-۲) کشش جبرانی ناشی از حذف چاکنایی /h/
۴۷	..... جدول (۱۹-۲) درج [ŋ] در جایگاه میانی
۴۸	..... جدول (۲۰-۲) درج [h] در جایگاه آغازی
۴۹	..... جدول (۲۱-۲) تبدیل /r/ به [ʁ]
۷۷	..... جدول (۱-۳) سببی در زبان سنسکریت
۷۸	..... جدول (۲-۳) سببی در زبان پارسی
۹۷	..... جدول (۱-۴) ساخت فعل امر از hel-

### فهرست شکل‌ها

۷	..... شکل (۱-۱) و (۲-۱) پرنده سَنَفَر
۲۳	..... شکل (۱-۲) و (۲-۲) محل تولید آوا
۳۲	..... شکل (۳-۲) واکه‌ها

### فهرست نمودارها

۱۶	..... نمودار (۱-۱) زبان‌های هندواروپایی
۱۷	..... نمودار (۲-۱) زبان‌های ایرانی
۳۶	..... نمودار (۱-۲) واکه‌های مرکب

## پیش‌گفتار

اهمیت بررسی گویش‌های نو در شناخت عمیق‌تر زبان‌های باستانی از سال‌ها پیش مورد توجه شرق‌شناسان بود. گویش مورد بررسی در رساله حاضر، کُردی رایج در شهرستان سُنقرُکلیایی است که از گویش‌های نو ایرانی شمال‌غربی است. در این رساله، ضمن پرداختن به ساختمان دستوری و صرف و نحو در گویش مذکور، فرآیندهای واجی و دگرگونی‌های آوایی تاریخی رایج در این گویش، از هر دو منظرِ درزمانی<sup>۱۳</sup> و هم‌زمانی بررسی شد و فهرست موضوعی واژه‌های ایرانی باستان و ایرانی میانه غربی که در گویش مورد بررسی به‌جا مانده‌اند، بر اساس فهرست موضوعی مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی ارائه شده است. در مبحث دستوری، برای هر مثال ارائه شده، ترجمه ساختاری آن نیز نوشته شده است. توضیحات مربوط به هر فصل نیز در مقدمه هر فصل ارائه شده و از تکرار آن در این‌جا خودداری شده است. رساله در هفت فصل و چهار پیوست تنظیم شده است و ساختار آن در مبحث (۱-۱۰: ساختار رساله) توضیح داده شده است.

---

<sup>13</sup> . Diachronic

فصل اول  
مقدمه

## ۱. کلیات پژوهش:

### ۱-۱. مقدمه:

گوش‌های نو ایرانی به دلیل تأثیر پذیری از فارسی نو به شدت در معرض خطر هستند و نسل جدید گوشور به راحتی قادر به تکلم به زبان و گوش بومی مادری خویش نیست. در مورد گوش گردی سنقرکلیایی که در رساله حاضر بررسی شده است، نیز تحقیقات چندانی انجام نشده است، لذا در این پژوهش سعی شده است که گوش مورد بررسی با تکیه بر فرآیندهای واجی و دگرگونی‌های تاریخی در واژه‌های کهن بازمانده در آن، بررسی شود. در این فصل کلیات پژوهش و ساختار رساله حاضر ارائه شده است.

### ۱-۲. بیان مسأله:

از زبان‌های ایرانی باستان و میانه واژه‌های بسیاری در گوش گردی سنقرکلیایی به جا مانده است که در رساله حاضر با بررسی فرآیندهای واجی و آوایی آن‌ها و ویژگی‌های آوایی شمال غربی در این گوش، بدان پرداخته شده است. در بررسی نمونه‌های ارائه شده، بیش تر سعی در ارائه واژه‌ها و افعالی از زبان‌های ایرانی - باستان و میانه بوده است که به فارسی نو نرسیده و یا با تحولات آوایی به فارسی نو رسیده‌اند، اما در گوش سنقرکلیایی صورت باستانی خود را حفظ کرده‌اند.

### ۱-۳. اهمیت و ضرورت انجام این پژوهش:

گوش‌شناسی<sup>۱۴</sup> شاخه‌ای از علم زبان‌شناسی است که به بررسی علمی گوش‌ها می‌پردازد. بررسی گوش‌های ایرانی نشان می‌دهد که زبان‌ها و گوش‌های نو ایرانی به گونه‌ای خاص از نظر واژگانی و دستوری، برخی ویژگی‌های زبان‌های ایرانی باستان و ایرانی میانه را حفظ کرده‌اند، فهرست واژه‌های این گوش و شناخت روش‌های واژه‌سازی آن ابزاری بسیار سودمند برای واژه‌سازی فارسی است.

### ۱-۴. اهداف پژوهش:

هدف از این پژوهش ارائه تقسیم‌بندی موضوعی واژه‌های بازمانده از ایرانی باستان و ایرانی میانه غربی در گوش گردی سنقرکلیایی با نگرشی بر فرآیندهای واجی و آوایی آن‌ها است. از آن جایی که این واژه‌ها ریشه در زبان‌های ایرانی باستان و ایرانی میانه دارند، می‌توانند بررسی‌های زبانی را سریع تر و عمیق تر کنند. وجه کاربردی و هدف طرح در خدمت به فرهنگ و جامعه ایرانی را می‌توان در کاربرد و استفاده از این پژوهش در سازمان‌ها و نهادهایی پژوهشی همچون فرهنگستان زبان و ادب فارسی، دایره‌المعارف‌ها، و همچنین پژوهشگران و دانشجویان رشته‌های فرهنگ و زبان‌های باستانی، زبان‌شناسی، گوش‌شناسی، فرهنگ عامه، واژه‌گزینی و ... دانست.

<sup>14</sup> . Dialectology

## ۱- ۵. قلمرو پژوهش:

الف) قلمرو مکانی: برای زبان‌های ایرانی باستان و ایرانی میانه محدوده جغرافیایی ایران در دوره‌های تاریخی هخامنشی، اشکانی و ساسانی و برای گویش کردی مورد بررسی این تحقیق، شهرستان سنقر کلبایی و روستاهای آن است.

ب) قلمرو زمانی: از کهن‌ترین زمان تا پایان دوره ساسانی و کردی در گروه گویش‌های نو ایرانی. جمع-آوری داده‌های گویشی از تیرماه ۹۶ تا پایان آبان‌ماه ۹۶ انجام شده است.

ج) قلمرو موضوعی: باستان (اوستا و فارسی باستان)، فارسی میانه (گویش شمالی و جنوبی)، نو (گویش کردی سنقر کلبایی).

## ۱- ۶. سؤال‌های پژوهش:

- گویش کردی سنقر کلبایی در تقسیم‌بندی گویش‌های نو ایرانی چه جایگاهی دارد؟
- چگونه می‌توان از گویش‌های نو ایرانی از جمله کردی در پژوهش‌های زبانی، ادبی و ریشه‌شناسی سود برد؟
- چه واژه‌هایی از زبان‌های ایرانی باستان و ایرانی میانه وجود دارند که به فارسی نو نرسیده، اما در این گویش کردی حفظ شده‌اند؟

## ۱- ۷. فرضیه‌های پژوهش:

- کردی یکی از گویش‌های نو ایرانی شمال غربی است که خود به سه شاخه شمالی، مرکزی و جنوبی تقسیم می‌شود و کردی سنقر کلبایی در گروه گویشی شاخه جنوبی کردی جای دارد.
- گویش کردی سنقر کلبایی منبع دست‌اول و سودمندی در پژوهش‌های زبانی است و می‌توان از آن در واژه‌گزینی بهره برد.
- در گویش کردی سنقر کلبایی واژه‌های بسیاری وجود دارند که پیشینه باستانی آن‌ها مشخص است اما در فارسی نو وجود ندارند.

## ۱- ۸. پیشینه پژوهش:

از میان پژوهش‌هایی که در این زمینه در قالب کتاب، پایان‌نامه، رساله و مقاله انجام شده‌اند می‌توان به مطالعات آذرگشسب (۱۳۳۷)، صفی‌زاده (۱۳۵۰)، دارابیگی (۱۳۷۱)، حاتمی‌عباد (۱۳۷۴)، خوشحالی (۱۳۷۹)، علیرضایی (۱۳۷۹)، اشونئی محمودزاده (۱۳۸۳) و خنجری (۱۳۸۷) اشاره داشت. پژوهش‌های انجام شده مختصر و شامل واژه-های محدودی می‌باشند و غالباً ریشه‌شناسی نشده و ارتباط آن‌ها با زبان‌های کهن در ایران به صورت جامع بررسی نشده است. در پژوهش حاضر که بر اساس گویش کردی سنقر کلبایی متمرکز است، ضمن ارائه ساختمان دستوری این گویش، به مبحث فرآیندهای واجی و آوایی از هر دو منظر در زمانی و هم‌زمانی پرداخته شده است.



## ۱-۹. روش انجام پژوهش و دلیل انتخاب این روش:

جامعه آماری طرح و به عبارتی شیوه جمع‌آوری و به دست آوردن واژه‌ها و نمونه‌های این پژوهش بر گویشِ کُردی رایج در شهرستان سنقرکلیایی متمرکز است، برای جمع‌آوری داده‌ها از شیوه مصاحبه با گویشوران بومی در رده‌های سنی مختلف از بی‌سواد تا تحصیل کرده و همچنین شمّ زبانی خود نگارنده که گویشور بومی کُردی سنقرکلیایی است و نیز منابع مکتوب زبانی استفاده شده است. داده‌ها در ابتدا از منابع مکتوب و گفتار گویشوران استخراج و طبقه‌بندی و سپس تجزیه و تحلیل شدند. فرهنگ کُردی مبنای کار در بررسی واژه‌ها فرهنگ فارسی- کُردی مردوخ می‌باشد، داده‌های زبان‌های باستانی و گویشی به فونت و قلم TITUS Cyberbit Basic آوانویسی شده‌اند و تقسیم‌بندی واژه‌ها بر اساس فهرست موضوعی مصوّب فرهنگستان زبان و ادب فارسی است.

## ۱-۱۰. ساختار رساله:

پژوهش حاضر در چهار فصل و ۴ پیوست تنظیم شده است، در فصل اول به کلیات، هدف و روش پژوهش، شهرستان سنقرکلیایی، وجه تسمیه و موقعیت جغرافیایی آن، رده‌شناسی<sup>۱۵</sup> و تعیین جایگاه گویش کُردی در میان گویش‌های نو ایرانی پرداختیم، در فصل دوم واج‌شناسی و فرآیندهای واجی رایج در کُردی سنقرکلیایی ارائه شده است. در فصل سوم ساختمان دستوری و صرف و نحو کُردی سنقرکلیایی بیان شده است. در فصل چهارم فهرست موضوعی واژه‌های بازمانده از ایرانی باستان و ایرانی میانه غربی در گویش کُردی سنقرکلیایی به همراه فرآیندهای صورت گرفته و ویژگی‌های آوایی شمال غربی در گویش مورد بررسی ارائه شده است. پیوست ۱ شامل متن‌هایی کوتاه است که به کُردی سنقرکلیایی آوانویسی شده‌اند، پیوست ۲ جمله‌هایی است که مطابق با دستورالعمل راهنمای گردآوری گویش‌ها برای گنجینه گویش‌های ایرانی، گروه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی فرهنگستان زبان و ادب فارسی فراهم شده‌اند و به گویش کُردی سنقرکلیایی آوانویسی شده‌اند، پیوست ۳ نمایه<sup>۱۶</sup> ای است از واژه‌های بازمانده از ایرانی باستان و ایرانی میانه غربی در کُردی سنقرکلیایی، و مطابق با نمایه کتاب راهنمای زبان‌های ایرانی<sup>۱۷</sup> به تفکیک، صورت‌های گوناگون واژه‌های زبان‌های ایرانی باستان (اوستایی و فارسی باستان)، ایرانی میانه غربی (پارتی، فارسی میانه و فارسی میانه تُرفانی) و ایرانی نو (کُردی سنقرکلیایی و فارسی نو) ارائه شده‌اند و پیوست ۴ شامل فرهنگ اصطلاحات زبان‌شناسی<sup>۱۸</sup> به کار رفته در متن رساله است.

15 . Typology

16 . Index

17 . Compendium Linguarum Iranicarum

18 . Linguistics

## ۱-۱. سنقر کلبایی:

### ۱-۱-۱. مقدمه:

شهرستان سنقر با ۲۳۲۰ کیلومتر مربع مساحت و با مختصات جغرافیایی ۴۷ درجه و ۲ دقیقه تا ۴۷ درجه و ۵۴ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ و ۳۴ درجه و ۳۸ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۶ دقیقه عرض شمالی از خط استوا در بخش شمال شرقی استان کرمانشاه و در ارتفاع ۱۷۰۰ متری از سطح دریا واقع شده است. این شهرستان در منطقه کوهستانی زاگرس قرار گرفته و از طرف شمال به شهرستان قروه، از جنوب غربی به شهرستان کرمانشاه، از شمال غربی به شهرستان سنندج، و از مشرق به اسدآباد همدان محدود است، از کوه‌های مهم آن می‌توان به کوه کمر زرد، کوه هزارخانی پایین، و کوه دالاخانی اشاره کرد. سنقر کلبایی از دو بخش مرکزی و کلبایی تشکیل شده است، در منطقه فعله‌گری (= فیله‌گری)<sup>۱۹</sup> اهالی، از طایفه فعله‌گری و در منطقه کلبایی، طایفه‌های بیگ‌وند،<sup>۲۰</sup> موسی‌وند<sup>۲۱</sup>، ورمزیار<sup>۲۲</sup> و صوفی‌وند<sup>۲۳</sup> ساکن هستند (سلطانی، ۱۳۷۰: ۳۱). مردوخ کردستانی (۱۳۷۹: ۱۱۶) و کریمی (۱۳۱۶: ۱۶۳) از طوایفی دیگر به نام‌های "شیم‌وند" و "شیرازی" و نیز دو طایفه دیگر به نام‌های کاکاوند و گرگ‌های که بین کلبایی و سنندج سکونت دارند، نام برده‌اند.

### نقشه (۱-۱). موقعیت جغرافیایی شهرستان سنقر کلبایی در نقشه استان کرمانشاه



<sup>۱۹</sup>. فعله‌گری (= فیله‌گری / پیله‌گری [fɪla/ pɪla-koʁ-i]): ناحیه دیگر سنقر کلبایی، فعله‌گری نام دارد. در فرهنگ معین (۱۳۷۹: ۸۱۱-۸۱۲) آمده که سنقر شامل دو دهستان فعله‌گری و دهستان کلبایی است. "گر" در گویش کردی به معنی پسر است. وقتی واژه "فیل" با کلماتی چون "تن" و "کر" و ... در این گویش به کار رود، "نه" نسبی به آخر واژه "فیل/ پیل" می‌چسبد. اصلاح "فیله/ پیله‌گر" معنای "پسری که هم‌چون فیل تنومند است، پهلوان" و "فیله‌تن" نیز به معنای "کسی که تنی چون فیل دارد، نیرومند" می‌گیرد؛ نیز ← (سلطانی، ۱۳۷۰: ۷۳).

<sup>۲۰</sup>. Bigwand

<sup>۲۱</sup>. Musiwand

<sup>۲۲</sup>. Warmazyâr

<sup>۲۳</sup>. Sufiwand

نقشه (۱-۲). موقعیت جغرافیایی شهرستان سنقر گلیایی در نقشه ایران



۱-۱۱-۲. دین و زبان مردم شهرستان سنقر گلیایی:

دین مردم این شهرستان اسلام است و پیروان تشیع و تسنن هر دو در آن وجود دارند. گویش رایج در شهرستان سنقر گلیایی کردی و ترکی است. اهالی بومی سنقر به ترکی صحبت می‌کنند و گویش مردم بخش گلیایی، فعله گری / پیله گری و اطراف سنقر<sup>۲۴</sup> کلاً کردی است (سلطانی، ۱۳۷۰: ۲۹).

۱-۱۱-۳. تقسیمات اداری - سیاسی شهرستان سنقر گلیایی:

شهرستان سنقر شامل دو شهر، دو بخش، هشت دهستان و ۲۲۰ آبادی دارای سکنه و ۷ آبادی خالی از سکنه است این شهرستان از دو بخش مرکزی و گلیایی تشکیل شده است. فعله گری: "گر"<sup>۲۵</sup> بازمانده از هندواروپایی آغازین: <sup>۲۶</sup> \*kur-no- / \*kur-ko- "گره" (بیرد، ۲۰۱۵: ۱۵۰، ۲۶۹) در کردی به معنی "پسر" است.<sup>۲۸</sup>

<sup>۲۴</sup> امروزه جمعیت فراوانی از اهالی کرد زبان اطراف، در خود سنقر اقامت دارند.

<sup>۲۵</sup> . Koř

<sup>۲۶</sup> . Proto-Indo-European

<sup>۲۷</sup> . A. M. Byrd

<sup>۲۸</sup> "پسر": ها.ا.ا. \*kur-ko-/\*kur-no- "گره" (بیرد، ۲۰۱۵: ۱۵۰، ۲۶۹) ایرانی: \*kurno-(ko-) "گره" (همو: ۱۴۹) هیتی: \*kūrkaš "گره" (همان‌جا) پهلوی:

[kwlk' kurrag "گره" (همان‌جا) ک.س.ک.: koř "پسر". نیز ← پانویس شماره ۱۹.

## ۱-۱۱-۴. وجه تسمیه سنقر گلیایی:

### ۱-۱۱-۴-۱. سنقر:

قدیمی‌ترین جایی که سنقر بدین صورت آمده، تاریخ سلجوقیان است. در دوره سلجوقیان، امیران سنقر به نام "آق سنقر" معروف بوده‌اند و هم‌اکنون بقعه‌ای که در میان مردم به بقعه مالک معروف است، در این شهر بر روی تپه‌ای قرار دارد که بی‌شبهت به بناهای سلجوقی نیست. اشاره بعدی در کتاب "طفرنامه نظام‌الدین شامی" است که به فرمان تیمور در تاریخ ۷۹۵ هجری لشکری برای سرکوبی یاغیان به نواحی کردستان و سنقر و بغداد روانه گردید (سلطانی، ۱۳۷۰: ۳۰-۳۱). برخی بر این عقیده‌اند که شهر سنقر در ابتدا یک اردوگاه مغولی بوده و پس از استقرار کامل در این اردوگاه، به شهر تبدیل شده است (همو، ۱۳۷۰: ۳۰-۳۱).

متداول‌ترین معانی که برای سنقر در فرهنگ‌ها آمده، پرنده شکاری است. در فرهنگ‌های آندراج، نفیسی (ناظم‌الاطباء)، غیاث‌اللغات و فرهنگ معین این چنین آمده است:

"سنقر: به ضم اول و قاف. پرنده‌ای است مثل باز که در هندوستان بواسطه حرارت نژید و این ترکی است از لطائف و نام یکی از پادشاهان ترک و نام یکی از غلامان" (پاشا، ۱۳۳۵: ۲۴۸۷).

"سنقر مرغی است شکاری از جنس چرغ که شنقر نیز گویند" (نفیسی، ۱۳۴۳: ۱۹۴۶).

"سنقر مرغی است شکاری. سنگار، سردودمان اتابکان فارس" (معین، ۱۳۷۹: ۸۱۵).

"سنقر - به سین مهمله و قاف هر دو مضموم، پرنده‌ای است شکاری مثل باز که در هندوستان به واسطه حرارت نژید و این ترکی است از لطائف و نام یکی از پادشاهان ترک و نام یکی از غلامان" (غیاث‌الدین رامپوری، ۱۳۳۷: ۵۷۱).

"سنقر؛ به ضم اول و قاف و سکون ثانی و رای قرشت، به معنی شنقر است، و آن مرغی باشد شکاری از جنس چرغ. گویند بسیار زنده می‌باشد و پیوسته پادشاهان بدان شکار کنند" (تبریزی، ۱۳۴۲: ۱۱۷۴).



شکل (۱-۱) و (۲-۱) پرنده سنقر.

منطقه سنقر نخست به صورت مرتع و چراگاه استفاده می‌شد، بدین سان در ابتدا مردمی که در این ناحیه ساکن بودند به شیوه معیشتی چادرنشینی و دامداری زندگی می‌کردند، از زمان تیموریان و در پی افول دینور گروه‌های دامدار به این سو روی کردند و به‌خاطر شرایط مساعد طبیعی برای دامداری، در آن ساکن شدند

(سلطانی، ۱۳۷۰: ۷۲؛ مؤیدی، ۱۳۸۸: ۷۰-۷۱). به خاطر این شیوه زیست و نیز عواملی طبیعی و شکار پرندگان، احتمال این که نام یکی از مظاهر زندگی کوچ‌نشینی و شکار به تدریج از افراد به ناحیه منتقل شده باشد، منطقی به نظر می‌رسد (سلطانی، ۱۳۷۰: ۷۲). (اسم پرند بر شکارکنندگان آن پرند اطلاق شده و بعداً بر آن ناحیه اطلاق گردیده است).

از سُنْقَر به عنوان نامی برای غلامان ترک و تاتار به کرات استفاده شده و در هنگام استیلای ترکان بر ایران بسیاری از این غلامان ارتقاء پیدا کرده و حتی به حکومت رسیدند. از این جمله‌اند: سُنْقَر بن مودود، سردودمان اتابکان فارس، بای سُنْقَر، آق سُنْقَر و قَرَسُنْقَر (همان‌جا).

اطلاق کلمهٔ “سُنْقَر” را باید منسوب به سردار و بزرگی دانست که در عهد تسلط ترکان در این ناحیه مستقر و مسلط بوده است و “فَعْلَه/ پیلَه” نیز از جملهٔ تحریفات منشیان عهد قاجاریه است و اصل آن “فیلَه/ پیلَه” از لغات کُردی است و به معنی “پهلوان” به کار برده شده است و ترکیب آن به معنی “فرزند (= پسر) پهلوان” یا “فرزند (= پسر) زیرک و جسور” است (همان‌جا).

مطابق گزارشات موجود از اسناد مربوط به نخستین فرهنگستان ایران، جهت جای‌گزینی نام “سُنْقَر” اسامی “اژدر” یا “خسرویه” پیشنهاد، ولی پذیرفته نشده بود (روستایی، ۱۳۸۵: ۲۷۴).

#### ۱- ۱۱- ۴- ۲. کُلیایی:

کلمهٔ کُلیایی که به دنبال سُنْقَر آمده، به یکی از دو ناحیهٔ روستایی این منطقه اطلاق می‌شود که در آن طوایف ایل کُلیایی سکونت دارند. این کلمه از دو بخش “کُلیا” و “-یی” تشکیل شده است. “یی” مرکب است از یاء میانجی و یای نسبت و تعلق و وابستگی به “کُلیا” را می‌رساند.

کلیا: <sup>۲۹</sup> واژهٔ کلیا نیز در فرهنگ‌ها به معانی زیر به کار رفته است:

“کلیا: بالکسر به معنی شخار است که قلیه باشد و بیش تر صابون‌پزان به کار برند و به لغت زند و پازند گوسفند را گویند” (پاشا، ۱۳۳۵: ۳۴۵۸).

“کلیا [kelyâ] شخار و قلیا. به لغت زند و پازند: گوسفند” (نفیسی، ۱۳۴۳: ۲۸۳۰).

“کلیا [kelyâ] (= قلیا) شخار، قلیا” (معین، ۱۳۷۹: ۳۰۴۷).

“کلیا: به کسر اول و سکون ثانی و تحتانی به الف کشیده، به معنی شخار است که قلیا باشد و بیش تر صابون‌پزان به کار برند. به لغت زند و پازند گوسفند را گویند” (تبریزی، ۱۳۴۲: ۱۶۸۶).

<sup>۲۹</sup>. واژهٔ کُلیا در ترکیب سُنْقَر کُلیایی، به صورت [kolyâ] ادا می‌شود، اما در منابعی که مشاهده گردیده، همه [kelyâ] ثبت کرده‌اند.

## ۱-۱۲. رده‌شناسی گویش‌گردی سُنقرکلیایی:

### ۱-۱۲-۱. مقدمه:

کنجکاوی انسان درباره پدیده‌های جهان موجب شد که از نخستین دوره‌های تفکر، زبان نیز به‌عنوان موضوعی مهم مورد توجه قرار بگیرد. از این‌رو از آغاز دوره‌های تاریخی در طول سده‌های پیاپی در میان برخی اقوام، پژوهشگرانی به بررسی زبان و ویژگی‌های آن پرداختند. در واقع زبان همواره به‌عنوان یکی از نخستین زمینه‌های علمی در میان آموزش و فرهنگ همه اقوام اهمیت ویژه‌ای داشته است (مشکوئالدینی، ۱۳۷۳: ۳). امروزه حدود ۶۷۰۰ زبان گوناگون در جهان رایج می‌باشد (کامری، ۲۰۰۱: ۱۹). کریستال<sup>۳۱</sup> (۱۹۸۷: ۲۵) در مبحث زبان و گویش می‌نویسد در صورتی که دو نفر با هم صحبت کنند و حرف‌های هم‌دیگر را متوجه نشوند، از دو نوع زبان صحبت می‌کنند، اما اگر جملات هم‌دیگر را بفهمند، در این صورت از گویش‌های متفاوت از همان زبان صحبت می‌کنند. در این فصل ضمن ارائه تعریف مفاهیم موردنظر، تاریخ زبان‌های ایرانی از باستان تا نو و رده‌شناسی گویش‌گردی سُنقرکلیایی در میان گویش‌نو ایرانی ارائه می‌شود.

### ۱-۱۲-۲. زبان، گویش، لهجه و گونه:

دبیرمقدم (۱۳۸۷) در مقاله‌ای به‌طور مفصل ضمن معرفی دیدگاه‌های زبان‌شناسان ایرانی و غیر ایرانی درباره سه مفهوم بنیادی زبان، گویش و لهجه که گاه متفاوت و متناقض هستند، در نهایت تعاریف زیر را که به گفته وی هم‌سو با آرای زبان‌شناسان و صاحب‌نظران بین‌المللی است و اجماع جامعه زبان‌شناسی امروز درباره این مفاهیم است، ارائه می‌دهد. دبیرمقدم این تعاریف را تعاریف معیار و متعلق به «نظریه عمومی زبان» می‌داند و «نظریه عمومی زبان» را نظریه‌ای تعریف می‌کند که بنیان‌ها و مفاهیم آن مورد اتفاق نظر و اجماع جامعه زبان‌شناسی، فارغ از چارچوب‌های نظری خاص است. دبیرمقدم (همان‌جا) بر طبق تعاریف زیر که ارائه داده است، گردی را زبان می‌داند.

۱. «زبان (Language): دو گونه زبانی که سخن‌گویان آن دو فهم متقابل ندارند، زبان‌اند.

۲. گویش (Dialect): دو گونه زبانی که سخن‌گویان آن دو فهم متقابل دارند اما در عین حال بین آن دو گونه تفاوت‌های آوایی و واجی واژگانی و یا دستوری مشاهده می‌شود گویش‌های یک زبان‌اند.

۳. لهجه (Accent): دو گونه زبانی که سخن‌گویان آن دو فهم متقابل دارند اما در عین حال بین آن دو گونه فقط تفاوت‌های آوایی (و واجی) دیده می‌شود لهجه‌های یک زبان‌اند.

۴. گونه (Variety): اصطلاحی است خنثی، که هم‌چنان که در تعریف «زبان»، «گویش» و «لهجه» مشاهده می‌کنیم، می‌توان آن را به‌عنوان اطلاق کلی به‌کار برد.»

<sup>30</sup> . B. Comrie

<sup>31</sup> . D. Crystal